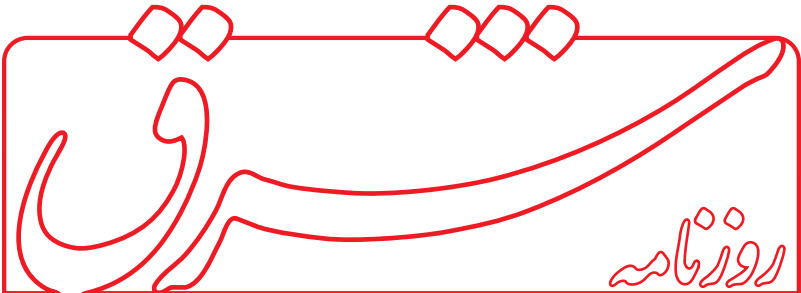




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان اوند، کوچه آرشیبا، پلاک ۶
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۰ و ۸۸۸۰۷۱۹ نامبر: ۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷
امور مشترکین: تلفن: ۲۲- ۸۸۸۱۴۲۳
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گل‌ریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۲۲
www.sharghdaily.ir

تهران : آذان : ظهر ۱۱:۵۹ آذان مغرب ۱۷:۱۲ آذان صبح فردا ۵:۲۷ طلوع آفتاب ۷:۰۷



یکشنبه ۲۴ آذر ۱۳۹۲ ۱۲ صفر ۱۴۳۵ ۱۵ دسامبر ۲۰۱۳ سال یازدهم شماره ۱۹۰۶ صفحه ۱۶

نشست دموکراسی‌سازی در ایران

اولین نشست علمی گروه جامعه‌شناسی سیاسی انجمن جامعه‌شناسی ایران با همکاری خانه اندیشمندان علوم انسانی با موضوع دموکراسی‌سازی در ایران معاصر، برگزار می‌شود. در این نشست دکتر علی سعایی، عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس، حسن قاضی‌مرادی، جامعه‌شناس و پژوهشگر مسایل اجتماعی ایران و دکتر محمد سالار کسرابی حضور دارند و پس از آن، پرسش و پاسخ برگزار خواهد بود. این نشست سه‌شنبه ۲۶ آذر از ساعت ۱۶ تا ۱۸ در خیابان استاد نجات‌اللهی، نبش خیابان ورشو، خانه اندیشمندان علوم انسانی، سالن خیام برگزار می‌شود.

آکادمی

دومین میمون فضاورد ایران از مرز فضا عبور کرد



محمد امین آهانگری
کارشناس ارشد هوافضا

● دومین محموله زیستی حامل یک میمون از نژاد رزوس با نام «فرگام» بامداد روز شنبه توسط دانشمندان فضایی کشورمان به فضا پرتاب شد و پس از طی یک مسیر زیرمداری تا ارتفاع ۱۲۰ کیلومتر، در مدت زمان حدود ۱۵ دقیقه به زمین بازگشت و موجود زنده، سالم بازپایی شد. کاوشگر حامل موجود زنده «پژوهش» نام دارد و پس از «پیشگام» که حامل میمون «آفتاب» بود و در سال ۱۳۹۱ پرتاب شد، دومین محموله زیستی است که در راستای تحقق اعزام انسان به فضا، توسط سازمان فضایی ایران به فضا پرتاب شده است. به دنبال این پرتاب موفقیت‌آمیز، دکتر «حسن روحانی» این موفقیت را در پیامی تبریک گفت. بزرگ‌ترین تفاوت پرتاب جدید، در کاوشگر یا همان پرتابگر حامل میمون است. کاوشگر پژوهش با استفاده از سوخت مایع کار می‌کند که این امر شتاب کمتری را در مقایسه با کاوشگر سوخت جامد پیشگام ایجاد می‌کند و شرایط بهتری برای موجود زنده فراهم می‌شود. کاوشگرها که برای پرتاب‌های زیرمداری استفاده می‌شوند، در آزمایش‌های فضایی به‌ویژه آزمایش ارزان قیمت سامانه‌های ماهواره‌ای و مطالعات علمی در حوزه‌های مختلف دارند. با این وجود در ایران به دلیل تأییدی که بر موضوع غورملی می‌شود گرایش زیادی به استفاده از کاوشگرها در پرتاب موجود زنده به فضا وجود دارد. هرچند رسیدن به توانمندی اعزام موجود زنده به فضا به‌لحاظ فنی بسیار دشوار است و موفقیت دانشمندان جوان ایرانی در این مسیر درخور تحسین است، اما این امر تاکنون به لحاظ اقتصادی و سیاست‌گذاری مورد انتقاد جدی برخی کارشناسان قرار گرفته است. پروژه اعزام موجود زنده به فضا که به‌عنوان مقدمه اعزام فضاورد ایرانی مطرح می‌شود در حالی به یک نماد توسعه برای بخش فضایی کشور مطرح می‌شود که هنوز بسیاری نقاط آن مبهم است. به تازگی برخی مسئولان تعریفی از این برنامه ارائه کرده‌اند که با آنچه در تصور غالب مردم شکل گرفته، تفاوت دارد. در میزگرد فضاورد ایرانی که چندی پیش توسط قطب علمی سامانه‌های هوافضایی دانشگاه صنعتی شریف و باشگاه خبرنگاران هوافضا برگزار شد، دکتر «محمد ابراهیمی» رییس پژوهشگاه سامانه‌های فضاوردی اعلام کرد برنامه اعزام انسان به فضا فعلا در حد پرتاب زیرمداری برنامه‌ریزی شده است که در این حالت فضاورد ایرانی برای چرخیدن به دور زمین در مدار قرار نخواهد گرفت. با وجود چنین تناقضی که میان انتظارات و تعاریف مسئولان وجود دارد و نیز با توجه به اینکه این برنامه در مقایسه با سایر پروژه‌های فضایی ایران از جمله توسعه ماهورها در جایگاهی ال‌زام‌آور قرار ندارد، گره‌زدن غرور ملی فضایی شدن ایران به چنین پروژه‌ای موجب قرارگرفتن سایر پروژه‌های ارزشمند و کاربردی ایران در زیر سایه پروژه‌هایی از قبیل اعزام میمون به فضا که بیشتر جنبه نمایشی دارند، می‌شود. از طرفی دیگر ایجاد چنین جایگاهی برای پروژه‌ای که نه‌تنها در ایران بلکه در سایر کشورهای فعال در عرصه انسان به فضا مانند آمریکا، ژاپن، چین و هند در اولویت قرار نداشته و در بحران‌های اقتصادی فوراً متوقف می‌شود، باعث شده است در کشور ما صحبت از توقف یا انتقاد به برنامه اعزام انسان به فضا مانند توهین به ارزش‌ها یا زیر سوال بردن دستاوردهای فضایی ایران تلقی شده و دست مسئولان در تصمیم‌گیری برای ادامه یا توقف این پروژه با توجه به مسایل روز اقتصادی کشور بسته شود. بنابراین بهتر است از مطرح‌شدن پروژه اعزام انسان به فضا به عنوان پروژه‌ای ارزشی خودداری کرد تا کارشناسان فنی، اقتصادی، رسانه‌ها و همچنین مسئولان بلندپایه کشور قادر باشند مانند سایر کشورها روی آن به بحث و گفت‌وگو بپردازند و حتی در صورت لزوم آن را به صورت موقت یا دائم کنار گذاشته و بدون ایجاد تبعات منفی این اقدام از جمله ایجاد بی‌اعتمادی و ضربه‌خوردن غرور ملی به توسعه سایر بخش‌های فضایی بپردازند.



روزگار سپری شده

فاطمه معتمدآریا در گفت‌وگو با «شرق»:

سینما به گذشته قابل احترام بازگشت



عسل عباسیان

فقط می‌توانم بگویم متأسفم چون رابطه مردم در این چند سال با بخش فرهنگی قطع شد و من هم جزئی از آن بودم. ✎ شما در این سال‌ها خواننده‌ای به‌خاطر عملکرد و تفکراتان نوک پیکان بودید، درباره این موضوع چگونه فکر می‌کنید؟

من اصلاً نمی‌فهمم چه خبر است و چه اتفاق‌هایی افتاد. من اصولاً قنومندم. حاضر نیستم کار غیرقانونی انجام بدهم. جالب است افرادی هستند که وقتی مقید و قانون‌مدار باشی وادارت می‌کنند کار غیرقانونی بکنی یا اینکه اصلاً تو را غیرقانونی جلوه می‌دهند. این از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ واقعاً عقل من نمی‌رسد. نمی‌خواهم بهش فکر کنم. این‌قدر برایم کار فرهنگی مهم است که حاضر نیستم وقتم را برای فکر کردن به اینکه این همه جفا در این سال‌ها در حوزه فرهنگ از کجا آمده تلف کنم. اگر بخوام به این چیزها فکر کنم باید بگویم برخی از آنها که مسئول تصویب سناریو بودند یا پروانه نمایش دادند اکنون متهم به سوءاستفاده مالی هستند. یا اگر بخوام به این چیزها فکر کنم یا باید خیلی غصه بخورم و فکر کنم که این آدم‌های ناصالح چطور به بخش فرهنگی راه یافتند یا باید بخش فرهنگی یکتبه با آن مبارزه کند و بار مشکلاتش را به دوش بکشد. وقتی می‌بینم برخی کسانی که به سناریوهای خاتم «بنی‌اعتماد» اتهام غیراخلاقی می‌زدند اکنون، خود، به اعمال غیراخلاقی متهم شده‌اند.

✎ فکر می‌کنید این همه دوری از سینما، دوری از حرفه شما ارزش این را داشت که اینگونه عمل کنید؟ من هیچ کاری نکردم. فقط خودم بودم و به کارم اعتقاد داشتم. وقتی یک نفر ۲۰ چوندسال تلاش می‌کند از ابتدال به دور باشد طبیعی است وقتی آدم‌های مبتذل بر سر کار بیایند دیگر جایی ندارد. من فقط در برابر این ابتلال ایستادم و طبیعتاً از بابت آن خوشحالم.

✎ در این مدت چه کارهایی جز فعالیت‌های بشردوستانه کردید؟ من هم کاری قبلاً می‌توانستم انجام دهم و قبلاً فرصتش را نداشتم. انجام دادم. بخشی از وقتم صرف خانواده شد، بخشی از آن صرف فعالیت‌های بشردوستانه و بخش زیادی هم صرف دآوری جشنواره‌های مختلف سینمایی مثل جشنواره‌های اوبوسی، روتردام، دوبی، سوئد، استونی، هند، چین و تقریباً همه‌جای جهان را چرخیدم.

✎ هشتال دوران احمدی‌نژاد و مدیریت سینمایی شمعری برای شما چگونه گذشت؟ چهارسالش را که کار کردم، نفهمیدم چقدر سخت بود کار کردن در این چهارسال. چهارسال بدش را هم که اجازه کار نداشتم و نتستم ببینم چرا اجازه کار ندارم.

✎ سال‌های پیش‌رو و مدیریت سینمایی آقای ایوبی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ فکر می‌کنم الان یک خرد جمعی در سینما حاکم است. با مدیریت‌های جدید و برخوردهای جدید با وجود آقای جنتی و درایت آقای ایوبی. فکر می‌کنم ما همان‌طور که اول صحبت‌هایمان گفتیم داریم رجعت می‌کنیم به گذشته قابل‌احترام‌مان.

✎ شما با وجود روزهای تلخی که در چهار سال دولت قبل از سرگذراندید، ۲۲ خرداد رای دادید و مردم را هم به رای‌دادن تشویق کردید. آیا آن‌روز چنین روزی را پیش‌بینی می‌کردید؟ کاملاً اگر غیر از این می‌شد شاید به باورهای خودم شک می‌کردم. به این باور که بی‌خردی همیشه پایدار نیست.

بازتاب

آیا احساس سوژه در عکس واقعی است؟



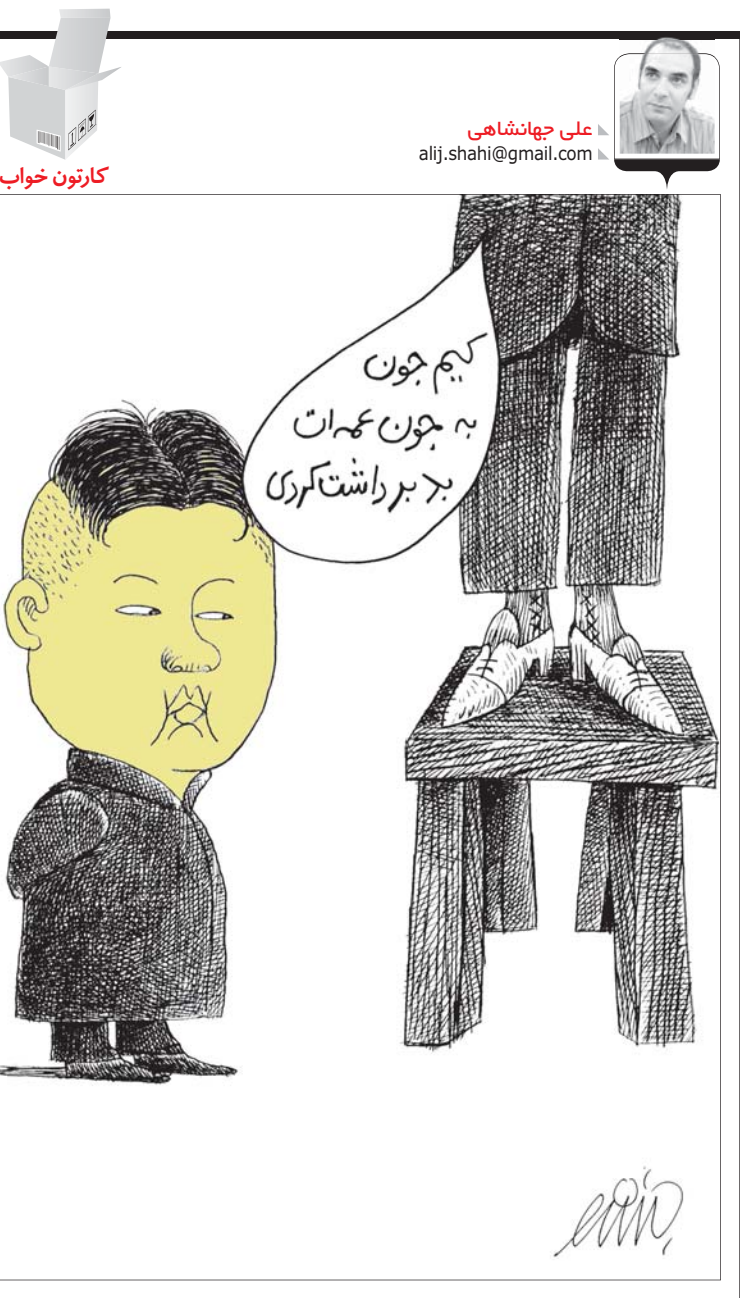
کامران عدل

اولین‌بار که این عکس را دیدم به آن توجهی نکردم، به‌لحاظ تکنیکی اینطور به نظر آمد که حاصل یک ترفند فتوشاپی است. این‌روزها با آمدن ترفندهای رایانه‌ای، قاعده «اصل بر بی‌گناهی است» جایش را با «اصل بر فتوشاپ است» عوض کرده و این برای من و امثال من که جزو عکاسان دهه ۶۰ جهان هستیم، یک آفت عمده در عکاسی امروز به حساب می‌آید. عکس نباید چیده شود؛ حتی کاپا و برسون هم عکس‌های جنگی خود را می‌چیندند اما مبنای ایده عکاسان دهه ۶۰ جهان این بود که خود واقعیت



باشد و به هیچ عنوان در آن دخل‌وتصرف نشود. با این‌همه از زمانی که فتوشاپ و دیگر نرم‌افزارهای گرافیکی پدید آمده‌اند، شاید فقط به یمن چشم‌های تیزبین و تحلیل عکس بشود تشخیص داد که مورد دخل‌وتصرف قرار گرفته یا نه. اما پس از آن صحت این عکس از سوی مسئولان آمریکا مورد تردید قرار گرفت، اصل را بر صحت آن گذاشتند و اینجاست

علی جهانشاهی
alij.shahi@gmail.com



هنر هفتم

زیبایی بزرگ



بهرام دبیری

بی‌همتا بودن، بی‌حسی سادگان‌انای که حساسیت تو را سرکوب می‌کند و تو را به فریاد می‌آورد. فریاد اعتراض بی‌چون «ابهمن محمص» در فیلم مستندی با نام «فیفی» از خوشحالی زوزه می‌کشد؛ از قضای روزگار و پافشاری «امیترا» فراهانی، «اوبه خانه «محمص» راه می‌یابد. بی‌تردید «ابهمن» در او فرشته موکل بر مرگ خویش را می‌یابد. آخرین شاهد خون هنرمندی بزرگ و ناسازگار. چهره‌ای از هنرمندی که دیگر سالهاست برای جهان بی‌معنا شده است. شرف از یادرفته هنر، «ابهمن» می‌پذیرد و روزهای آخر را در ساختن مستندی او را راهنمایی می‌کند. مستند مغلوب‌شدن فرهنگ و سلیقه و هنر در مقابل جهان پرسروصدا در پی هیچ فیلم به تمامی نمایش آن چیزی ست که «ابهمن» می‌خواست به ما بگوید. حتی در بخش دوم فیلم و آن سفارش‌دهندگان و خریداران، در آنها «ابهمن» به‌دنبال نمایش آخرین سفارش‌دهنده به تئاتری غم‌انگیز و تراژیک دست می‌یابد. بازی می‌کند، ریخند می‌زند و آخرین پرده عمر خود را در نمایشی غم‌انگیز و دلخراش به پایان می‌برد. تا برای همیشه زهرخند او را از روزگاری بیگانه، دوست نداشتنی، نا فهم و پوچ در حافظه ما باقی بگذارد.

جنگل آسفالت

خیلی عصبانی‌ام!



حامد محمدی کنگرانی
روایت‌پز شک

مانند چندندسال اخیر، خنا را شکر که باران بارید و آلودگی هوای تهران به صورت کاملاً موقت، برطرف شد و از یکی، دو روز آینده دوباره همان آش و همان کاسه دوباره همان صحبت‌های تکراری و همیشگی مسئولان درباره مشخص‌نبودن متولی برای آلودگی هوای تهران... البته اسمال چیزهای جدیدتری هم شنیده می‌شود مانند برقی کردن موتوسیکلت‌ها، عصبانی‌ام، خیلی عصبانی‌ام به این دلیل که چند روز پیش و در روزهای تعطیلی پایتخت به دلیل آلودگی هوا، ساعت ۱۵:۲۱در میدان توحید، منظر تاسکی بودم که ناگهان لشکر عظیمی از کلمین‌ها که بعضاً پلاک دولتی داشتند در برابر چشمان حیرت‌زده مسافران کنار خیابان، دود بسیار غلیظی ایجاد کردند. فردا شیش و در اوپایان همت، صحنه مشابهی را حدود ۳۰کامیون پشت‌سرم ایجاد کرده بودند و من فکر می‌کردم آن‌همه مأمور پلیس که صبح آن روز طرح زوج و فرد را اجرا می‌کردند الان کجا هستند. در پایانه اتوبوسرانی میدان رامهان و در بلوار کشاورز (نزدیکی میدان

از هر نظر بی‌زور

چرا دست می‌زنی؟

و مساله سیاسی کاشیکاری کره‌شمالی



پوریایا عالمی

● دیروز مساله سیاسی شوهرمه را بررسی کردیم و فکر کردیم قال قضیه را کندهیم. اما انگار مساله شوهرمه کیم چونگ اون مساله پیچیدای است.

به همین مناسبت خبرگزاری کره‌شمالی که خبر دیگری نداشت از کره بدنه، در گزارشی با اشاره به اعلام شوهرمه رهبر این کشور یکی از اقدامات نامناسب او را «دست‌زدن با هیجان» در نشست‌های سیاسی اعلام کرد.

خیلی عجیب است. در کره‌شمالی برای «دست‌زدن با هیجان» آدم را اعدام می‌کنند. در جاهای دیگر دنیا اگر به چیزی دست بزنی و هیجانی شوی، تذکر می‌دهند. یعنی اگر عمل «دست‌زدن با هیجان» عملی سیاسی در کره‌شمالی به نظر گرفته شود، بقیه مردم دنیا مشغول اعتراض سیاسی هستند.

دیالوگ خارجی

-بی‌ادب چرا دست می‌زنی؟ آن‌هم اینقدر با هیجان؟
-چون اگر دست نزنم، می‌فرستندم کره‌شمالی.

دیالوگ کره‌شمالی ۱

-دروغ می‌گوید جناب قاضی. من فعال سیاسی هستم. به نشانه اعتراض سیاسی، با هیجان دست زدم، حالا ایشان شای می‌دهد.

دیالوگ کره‌شمالی ۲

-چرا دست می‌زنی؟
-می‌خواهم اعدام نشوم عزیزم.
-باشه. دست بزن. ولی خیلی هیجان‌زده نشو.

دیالوگ کره‌ای رسمی

-به افتخار «اون» دست بزئید.
-نمیشه قربان. آخه وقتی به افتخار اون دست می‌زنیم اینقدر هیجان‌زده می‌شویم.

کاشی سیاسی

خبرگزاری کره‌شمالی گزارش داده است: شوهرمه کیم چونگ اون، یعنی جنگ سوئگ تانگ، چهره واقعی‌اش را به‌عنوان یک «خائن» در همه مراحل نشان داد. مثلاً چی؟ مثلاً خبرگزاری کره‌شمالی گفته (بدون شوخی و کاملاً جدی): شوهرمه اون علاوه بر «دست‌زدن بدون شور و هیجان در نشست‌های سیاسی» در برنامه «کاشیکاری یادبود رهبر کره‌شمالی» مانع ایجاد کرده است.

دیالوگ کره‌ای کاشی

-چرا بافچه را جای گلکاری، کاشیکاری کردی؟
-به احترام رهبر کره‌شمالی.
-دیالوگ کاشی کره‌ای
-بخشید کاشی دارید؟
-نه آقا جان. من کار سیاسی نمی‌کنم.

دیالوگ کاشی

کاشی‌ها اعلام‌ر کنند برای بعضی از مغرضان این سوءتفاهم ایجاد شده که کاشیکاری رهبر کره‌شمالی کار کاشی‌ها بوده که بهش می‌گویند کاشیکاری. اما اینطوری نیست. کاشیکاری مثل موزاییک‌کاری و سرامیک‌کاری است و ناآرامی‌های سیاسی در کره‌شمالی به‌خصوص کاشیکاری اون، ربطی به کاشیکاری‌های این، یعنی کاشان، ندارد.

دکه

تولد قانون اساسی در گفت‌وگو

● شماره شصت‌ودوم فصلنامه گفت‌وگو منتشر شد. پرونده ویژه آرمه فصلنامه گفت‌وگو به موضوع «قوانین اساسی» اختصاص دارد. مراد تقفی در «باب گفت‌وگوی این شماره به تناقضی در نحوه نگاه به قوانین اساسی اشاره می‌کند. از نظر

او قوانین اساسی معمولاً از دل خیرش ملته‌ها برای کسب آزادی‌های بیشتر بیرون می‌آیند اما به‌تدریج همچون یاد و خاطره یک واقعه مهم مورد احترام و استناد باقی می‌مانند و به این‌سان به سندی بدل می‌شوند که بیشتر حکایت از گرایش به عدم تغییر و محافظه‌کاری دارند. در آخرین شماره فصلنامه گفت‌وگو، مقالات و مقالات و ترجمه‌های مختلفی هست. در میان مقالات تألیفی می‌توان به مقاله حسین حقگو با عنوان «اصل ۴۴ قانون اساسی چگونه زاده شد» و مقاله محمدعلی قاجار با عنوان «حقوق» آزادی و امنیت شخصی در قانون اساسی ایران» اشاره کرد. ترجمه‌های مهمی نیز از کارل اسمیت و لویی ژانور دربار قانون اساسی در این شماره به چشم می‌خورد.

آموزشگاه آزاد سینمایی موج نو

باموز رسمی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۳۰/۶۱۳۰

بازیگری کارگردانی فیلمنامه نویسی

مدیر مسئول و مدیر آموزش: هوشمند ورعی

۸۸۸۸۹۶۷۰ www.mojenofilmschool.com